



جراید و مطبوعات سیاسی اصفهان در یک قرن اخیر (۲)

«تاریخ سیاسی مشروطیت دوم در اصفهان و روزنامه انجمن اصفهان»

موسی نجفی

عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران



استبداد روشنفکرانه در مشروطیت دوم

بررسی روند مطبوعات و جراید اصفهان در دوران مشروطیت، قبل از آنکه خواننده و یا علاقمندان به تاریخ را به خود نشریه و روزنامه‌های آن دوران علاقه‌مند و مشتاق نماید، بی‌اختیار انسان را به تحول حوادث و سیر سریع تغییر اوضاع زمانه می‌کشاند، اوضاعی که در دوران مشروطیت و سرنوشت آن جنبش بزرگ اسلامی-ملی تأثیرات فراوانی به همراه آورده و در روند تاریخی حرکت ملت ایران در سده اخیر، سخت مؤثر افتاده است. در این فراز در کنار اشاره به روند و محتوای روزنامه انجمن ملی اصفهان، بایستی اطلاعات و داده‌های تاریخی خود را کاملتر نموده و در کنار این جریده مهم به روند اوضاع و احوال سیاسی اصفهان بپردازیم.^۱

روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، چنانکه اشاره نمودیم در دوره اول مشروطیت (۱۳۲۶-۱۳۲۴ق) بیانگر دیدگاه و مذاکرات و روند حاکمیت مذهبی در مشروطیت اصفهان بود، ولی این حاکمیت و برداشت مذهبی از مشروطیت در دوره دوم مشروطیت، دچار تحولات و تغییرات محسوسی شد، چراکه حاکمیت و ریاست مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی بعد از فتح تهران دچار مشکلات و موانعی گردید و مانند همیشه، عناصر فرصت‌طلب یا دیدگاه‌های کمتر مذهبی (و بیشتر غرب‌گرا) توانستند، جای پای در مشروطیت دوم بدست آورند، از طرفی خوانین بختیاری که حاکمان متنفذ پایتخت بودند در بین خودشان افکار و آرای متشکلت و اهداف غیر مشترک و مرموز نیز راه داشته‌هر یک شعاری و یا سودایی در سر داشتند، با مراجعه به تاریخ می‌بینیم که فتح تهران توسط قوای بختیاری و قوای گیلان، دارای نقاط ضعف و ابهامات تاریخی فراوانی بوده است، چنانکه تثبیت اولیه حاکمیت جدید، با فاجعه‌ای خونبار و شرم‌آور یعنی اعدام شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری^۲ در رجب ۱۳۲۷ قمری همراه بوده است این حرکت و جنایت روشن دارای عوارض و اثرات سویی در روحانیت شیعه و روند سیاست آن روز داشته است. از جمله این اثرات و آثار شوم می‌توان از روند حذف گسترده علمای سیاسی شیعه از نهضت مشروطیت اشاره نمود چراکه روند «استبداد روشنفکرانه غرب‌گرایان» در مشروطیت درفاصله کمی به اصفهان نیز رسید. در ارتباط با مطلب فوق در یکی

از اسناد آن دوره می‌خوانیم که:

«در جلسه روز پنجشنبه مجلس روز ۲۳ شعبان ۱۳۲۷ تلگرافی از اصفهان از صمصام‌السلطنه خوانده شد در لزوم تبعید آقانجفی و آقاشیخ نورالله، قرار شد صمصام‌السلطنه، آقا نجفی را به عتبات روانه نماید و از طرف هیأت مدیره، آقا شیخ نورالله به تهران احضار گردد.»^۳

البته اینکه چرا اینان نتوانستند در اجرای فوری نقشه فوق خود موفق شوند، مهمترین علتش اختلاف شدید خود خوانین بختیاری بود که تعدادی از آنان از پیروان و ارادتمندان دو مجتهد مذکور بودند و آن چند نفر دیگر از خوانین هم که با دو مجتهد اصفهانی مخالف بودند، از نفوذ و پایگاه مردی این دو عالم بزرگ در بین مردم اصفهان و اهالی بختیاری به‌خوبی مطلع بودند.

اختلاف حاکمان جدید در تهران

در مورد اختلاف بین سران بختیاری در تهران و همچنین قوای فاتح تهران بحث زیاد است^۴ اسناد به‌جای مانده از آن دوران به‌نحوی منعکس‌کننده جو اختلاف و هرج و مرج کلی کشور می‌باشد. در یکی از اسناد، در این مورد می‌خوانیم که:

«نوزدهم رجب‌المرجب ۱۳۲۸ هجری قمری ما امضاکنندگان ذیل به کلام مجید و به بانی و شرف و ناموس و وطن قسم یاد کرده‌ایم که از امروز تاریخ نوزده، شهر رجب‌المرجب ۱۳۲۸ متحداً و متفقاً در راه دین مبین اسلام و بقای مشروطیت و استقلال مملکت ایران و دفع اشرار و قلع و قمع ریشه فساد تا وقتی که عمر داریم بکوشیم و از جان و مال و اهل و عیال در راه مقصود مقدس به هیچ وجه من‌الوجه مضایقه و خودداری نکنیم و هرگاه خدای نخواست یک نفر از این چهار نفر امضاکنندگان ذیل به وسوسه شیطانی از جاده حقیقت و این مقصد عالی منحرف شد و از شرافت قومیت صرف‌نظر نمود بر سه نفر دیگر فرض واجب است که به هر وسیله باشد آن شخص را دفع نمایند خداوند تبارک و تعالی را در این اتحاد خودمان حاضر و ناظر دانسته به شرایط فوق عمل خواهیم نمود.»

محل مهر عبدالحسین سردار محیی- محل مهر ابراهیم بختیاری (ضرعام‌السلطنه)- محل مهر ستار (سردار ملی)- محل مهر باقر (سالار ملی)^۵



روزه منتشر خواهد شد. نمایندگان ملت باید موافق نظامنامه تا غره رجب منتخب و در طهران حاضر شده باشند یعنی هر چه زودتر ممکن شود انتخابات بعمل آمده. همین که دو ثلث نمایندگان ملت در طهران حاضر شدند مجلس شورای ملی به مبارکی در طهران افتتاح خواهد یافت بعد از این تصریحات البته پاره‌ای اشخاص را بهانه نخواهد ماند که اغراض خود را در نظر اینای وطن لباس ملت پرستی پوشانیده در تفریق بین شاه و رعیت اقدام نمایند پس اشتیاق قلبیه و مراحم ملوکانه ما را بر عموم رعایای آن صفحات که بمنزله اولاد گرامی هستند ابلاغ نموده مصلحت اتحاد دولت و ملت را در قبال خطرات و خیمه که از نفاق خانگی تولید شده از نظر دور ندارید که ارکان اسلامیت و ایرانیت در روی مبانی اتحاد ثابت و استوار خواهد ماند»

محمدعلی شاه قاجار^۷

*** روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، در دوره اول مشروطیت بیانگر دیدگاه و مذاکرات و روند حاکمیت مذهبی در مشروطیت اصفهان بود، این حاکمیت و برداشت مذهبی از مشروطیت در دوره دوم مشروطیت، دچار تحولات و تغییرات محسوسی شد.**

سند دوم:

صورت تلگراف محمدعلیشاه و جواب آقا نجفی و حاجی آقا نورالله و سران بختیاری به شاه «چون برای تهیه ضروریات مملکت و تدارک حوایج ملت تنظیم و ترتیب اداره دولتی شرط اولست و تا کنون دوایر دولتی بر روی اساس صحیحی مرتب نبوده و اغتشاشات ادارات تولید انواع مشکلات و هرج و مرج نموده روز به روز سلاسل نظم و امنیت از هم گسیخته است لهذا برای ترتیب ادارات دولت و مملکت بهترین اساس است از تاریخ امروز که چهاردهم شهر ربیع الثانی ۱۳۲۷ است به میمنت و سعادت در مملکت ایران برقرار فرمودیم تا نمایندگان ملت و عقلای مملکت در حل و فصل مشکلات امور و

قطب مهم تعیین کننده روند مشروطیت کشور بوده است و به علت دیدگاه مذهبی در مشروطیت این شهر، و از طرفی دیدگاه افراطی و غرب‌گرا در جناح دیگر مشروطیت، معمولاً مورخین نتوانسته‌اند از نقطه نظرات این گروه و جناح در وقایع یاد شده دقیقاً اطلاع حاصل نمایند.

اسناد و مدارک تاریخی در دوره مشروطیت اصفهان

آن چه که نویسنده این سطور در این قسمت از مدارک و اسناد تاریخی ذکر می‌کند از نظر سندشناسی و مدارک تاریخی برای تبیین تاریخ مشروطیت ایران بسیار مهم است و مبین جناح اصیل و مهمی در تاریخ مشروطیت ایران است که بعضاً یا مورد توجه قرار نگرفته و یا به طور کلی تاکنون به صورت مناسب معرفی و انتشار نیافته است؛ بخصوص چند سند آخر به علت آنکه نسخه خطی آن به تازگی از یک صندوق قدیمی خانوادگی^۶ به دست آمده، برای اولین بار است که منتشر و نگاشته می‌شود.

در هر حال سه سند اول مربوط می‌شود به بعد از به توپ بسته شدن مجلس و قبل از فتح پایتخت که دیدگاه علما و مشروطه خواهان اصفهانی را در مکاتبه و تلگراف با محمدعلیشاه نشان می‌دهد.

سند اول:

۲۰ ع ۲ مواد تلگراف:

«جناب مستطابان شریعتمداران حجت الاسلام آقای نجفی و آقا شیخ نورالله دامت برکاتهما و سایر علمای اعلام و اعیان و خوانین و تجار اصفهان»

«تلگراف شما ملاحظه و معلوم شد حسن نیت قلبی ما را در استرضای قلوب و استحصال مقاصد ملت ملتفت شده‌اید. لهذا توضیحاتی می‌نویسیم که چند ماه تعطیل مجلس شورای ملی که به حکم ضرورت پیش آمد، اساس مشروطیت را در مملکت مختل نساخته تا ایجاد قانون اساسی دیگر لازم آید، قانون اساسی ایران بر روی همان پنجاه و یک اصل که لاحقاً به امضای ما مصدق شده، پایدار است و اگر تغییر اصلی از آن مقتضی شود، فقط بعد از انعقاد و تصویب مجلسین موضوع بحث تواند شد. جمعی از کارآگاهان متمهد دولت و ملت مشغول ترتیب نظامنامه انتخابات هستند بر روی اساس صحیحی که معمول ملل متمدنه عالم است و این دو سه



تدوین قوانین بر حسب احتیاجات وطن عزیز و به مقتضیات وقت به میزان شرع مبین و مذهب اسلام با اولیای دولت موافقت نموده در استحکام مبانی نظم و امنیت و معدلت و استحصال موجبات سلامت و سعادت مملکت مساعی جمبله بکار برده بعون الله تعالی

*** مطبوعات اصفهان به علت قدرت داشتن علما و همچنین حمایت ایل بختیاری و یکپارچگی مشروطه خواهان با قوت و جسارت مطالب سیاسی و تحولات کشور را تجزیه و تحلیل می نمودند.**

از میامن توجهات حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه بلایای جور و نفاق بمزایای شور و اتفاق مرتفع و بساط انقلاب و اختلاف به اساس عدل و رفاه مبدل گردد علیهذا مطابق نظامنامه انتخابات که عن قریب منتشر خواهد شد باید در غره شهر رجب ۱۳۲۷ نمایندگان ملت منتخب شده هر چه زودتر در طهران حاضر شوند که انشاء الله تعالی در تهیه اسباب ترقی سعادت مملکت ساعی و جاهل باشند»

محمدعلی شاه قاجار

سند سوم:

جواب دستخط همایونی

(جواب باغشاه) در تاریخ شانزدهم ربیع الثانی

«در پیشگاه معدلت پناه بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی دام سلطانه عرایض متظلمانه خود را تقدیم می داریم.

حضرت احدیت و ذات مقدس شاهانه و ساکنین بسیط زمین گواه و مطلعند که ملت مظلوم مستمند تا چه اندازه برای رفع تعطیل موقتی دارالشورای ملی و اجرای مواد قانون اساسی با اغراض فاسده خائنین چند دچار شده و قریب نیکامی است که هیچ طور بذل جان و مال در اعاده این حق مشروع خود فروگذار نکرده و مغرضین نگذاشتند مستدعیات آنان بعرض آستان اعلی برسد اینک پس از خرابی ملک و ملت بامضای مبارک شاهنشاهی دستخطی مخایره می کنند و به طوری وانمود می نمایند که دولت ایران

مشروطه نبوده و به تازگی برای رفع اغتشاشات و استقرار تنظیمات رأی مبارک ملوکانه را به اعطای مشروطیت و ایجاد قانون اساسی جلب نموده و حال آنکه ناله مظلومین بیچاره ایران را در تمام اهل عالم شنیدند و وطن فروشی چند که دشمن تاج و تخت بودند نگذاشتند بسمع مبارک برسد دولت ایران بیادگار پدر تاجدار مبرورت انار الله برهانه بتمام دنیا به مشروطیت معرفی شده و ملت ایران قانون اساسی مرکب بر پنجاه و یک اصل مزین به دستخط آن شاهنشاه مبرور و متمم آن را متضمن بر یک صد و هفت اصل موشح به امضای اقدس همایونت آلوده به خون خود تحصیل کرده کرورها اموال و هزارها نفوس مظلومانه در راه ابقای آن اساس و اجرای آن قانون که ضمانت سلطنت را در خانواده آن اعلیحضرت می کند صرف نموده و اینک احیاء و اجرای آن قانون را خونبها و تدارک تلفات خود می داند و از آنجائی که مواد قانون اساسی به تصدیق و صحه علمای اعلام و حجج اسلام و آیات باهرات الهی بین الانام رسیده و تمام با موازین شرع اقدس مقدس تطبیق فرموده اند دیگر تغییر و تحریف یک ساده و یا یک حرف آن را حسب التکلیف اسلامی خلاف مسلمانی می دانیم و در همچو روزی که تمام ملل و دول و عقلا عالم رفع انقلابات داخلی و استقلال داخلی و استقلال ایران و ایرانی را موقوف به اجرای قواعد مشروطیت و افتتاح مجلس می دانند و تمام روزنامه های دنیا فریاد می کنند، ما ملت مظلوم هم با نهایت امیدواری از مراسم کامله خسروانه استرحام و استدعا می کنیم که امر و مقرر فرمایید بدون فوت وقت این آتش برافروخته را به یک فرمایش ملوکانه که امر به انتخابات بر طبق قانون اساسی و تشکیل مجلس باشد خاموش فرموده، عالم انسانیت را رهین منت و تمام ایران را قرین تشکر فرمایید (شیخ محمدتقی النجفی) (شیخ نورالله النجفی) (نجفقلی بختیاری) (علی قلی بختیاری) (انجمن ولایتی) (عموم علماء) (عموم تجار و اعیان) (عموم ملت اصفهان) (خوانین بختیاری)»^۸

از جمله اسناد و مدارکی که می تواند مجموعه اسناد و مستندات این تحقیق را پررتر نماید اسناد و مدارکی است که از طرف رجال و علما و اشخاص صاحب نفوذ آن زمان به اصفهان نوشته شده و به نحوی به اصفهان و فضای پر قدرت سیاسی این شهر مربوط می شده است.



دوره مشروطیت کامل و پربار و جامعتر نماید اسناد و مدارک تاریخی منتشر نشده و همچنین تلگرافها و خاطره‌نویسها و یادداشت‌های اشخاص است که در متن قضایا و جریانات سیاسی و اجتماعی شاهد و ناظر بوده‌اند.

۲- مرحوم آیت‌... حاجی شیخ فضل‌... الله نوری از مجتهدین طراز اول باینتخت بود در قیام تنباکو در تهران نقش مؤثری داشته است وی در نهضت مشروطیت با روند غربی شدن و تجدد مآبی افراطی گروهی از مشروطه‌خواهان به مخالفت برخواست و با قید اصلاحی مشروعه نمودن مشروطه سعی در برقراری حاکمیت اسلامی ضد غرب در مشروطیت نموده سرانجام با تسخیر تهران توسط قوای فاتح بختیاری و گیلانی در روز ۱۳ رجب ۱۳۲۷ قمری به شهادت رسید برای بررسی زندگی مبارزات و شهادت مظلومانه شیخ شهید منابع و اسناد متعددی وجود دارد که به عنوان نمونه رجوع شود به:

علی ابوالحسنی، پایداری تا پای دار، (تهران، نور، ۱۳۶۸)

محمد ترکمان، شیخ فضل‌الله نوری، تهران، رسا.

۳- خاطرات مستشارالدوله، ص ۱۶۹.

۴- البته قوای بختیاری در موقع حرکت از نواحی بختیاری، دچار نوعی تفرقه و اختلافات قبیله‌ای و ایلی بوده است قوای بختیاری بخصوص با دوسرکرده خود یعنی صمصام‌السلطنه و ضرغام‌السلطنه به دعوت و حکم مرحومین آقانجفی و حاج آقا نورالله برای کمک به قوای علما در اصفهان وارد شهر شدند، شهری که چند روزی بود شاهد درگیریهای مسلحانه نیروهای مسلح طرفدار علما با قوای معدل‌الدوله حاکم اصفهان بود و می‌دانیم که این فتح و پیروزی اولین حرکتی بود که استبداد محمدعلی شاه را بعد از به توپ بستن مجلس در ایران شکست نکته قابل ذکر اینجاست که بعد از فتح تهران بین علما با خوانین بختیاری در رابطه با اعزام نیرو به تهران اختلاف شدیدی روی داد.

۵- نقل از مجله وحید، شماره اول.

۶- این اسناد از یکی از صندوقهای قدیمی مربوط به شخص حاج آقا نورالله به دست آمده است و خدا را سپاس می‌داریم که این اسناد با ارزش و صدها سند معتبر دیگر که هر یک قسمتهای مهم تاریخ ایران، اصفهان و روحانیت شیعه را تشکیل می‌دهد از دست تظاول شیاطین روزگار و تحریف و نابودی نجات یافته و بعد از طی نمودن فاصله

زمانی از یک قرن، باز می‌تواند امروز روشنائی بخش گوشه‌ای از تاریخ باشد.

۷- روزنامه حبل‌المتین ۲ جمادى‌الثانی سنة ۱۳۲۷ قمری، شماره ۴۷۰، سال ۱۶، ص ۱۷.

۸- روزنامه جهاد اکبر، اصفهان، ۱۳۲۷ قمری.

۹- قبلاً یادآور شدیم منظور از ثقة‌الاسلام در تلگرافها و مکاتبات دوره مشروطیت و بعد از آن در جراید و اسناد اصفهان رییس مشروطه‌خواهان اسلامی یعنی مرحوم آیت‌... حاج آقا نورالله می‌باشد ۱۰- مرحوم آیت‌... میرزا ابوالقاسم زنجانی حاکم شرع اصفهان و از علمای متنفذ و سیاسی خوشنام اصفهان بوده است که سال ۱۳۳۳ قمری در اصفهان درگذشت، نویسندگان روشنفکرزده و برخی کتب موضع‌دار سیاسی از این شخصیت روحانی و مبارز اصفهانی بخاطر شرکت وی در فتوای قتل دو بابی به سال ۱۳۲۱ قمری شدیداً به وی اهانت و حمله نموده‌اند. به نظر راقم سطور چهره و سیمای مرحوم زنجانی و مواظبت وی در اجرای حدود شرعی جای هیچ شبهه و تردیدی را در مورد وی باقی نگذاشته و از وی چهره مجتهدی توانمند و مقتدر ترسیم می‌کند از وی آثار و مخطوطاتی در زمینه حکومت و مشروطیت و قانون دیده شده است که با انتشار آنها می‌توان اندیشه سیاسی و تفکر منسجمی را در وی مشاهده نمود.

۱۱- از مجموعه اسناد خطی نویسنده

۱۲- از مجموعه اسناد خطی نویسنده

۱۳- عبدالحسین الموسوی، مجتهد بزرگ خطه فارس و لارستان مرحوم آیت‌... حاج سید عبدالحسین لاری می‌باشد که از شاگردان بنام و مبرز میرزای بزرگ شیرازی مجدد مذهب و صاحب فتوای تنباکو بوده است مرحوم لاری دارای تفکر شریعت‌خواهانه در مشروطیت بوده است و خود مدتها در مناطق وسیعی از فارس حکومت دینی و اسلامی برقرار نموده بود نزدیکی تفکر و همچنین علایق مشترک ما بین ایشان و مرحوم آیت‌... حاج آقا نورالله نجفی امری بدیهی و یقینی به نظر می‌رسد تلگراف فوق مؤیدی تاریخی بر سخن ماست.

۱۴- از مجموعه اسناد خطی نویسنده